



## معرفی فسطاط العدالة فی قواعد السلطنة

محمد علی یوسفی\*

است. وضع این الحاد در سنهٔ احد عشر و ستمائه بود و اگر شوکت لشکر مغل نبودی صد پاره عالم ازین جماعت خروج خوارج شده بودی» [53b]

همانگونه که مؤلف در عبارت فوق می گوید وضع آن الحاد در سال ۶۱۱ بوده و در زمان تألیف کتاب هفتاد و دو سال از آن زمان می گذشت که با این حساب، تاریخ تألیف آن به سال ۶۸۳ بر می گردد.

### سبب تألیف و تقدیم آن

در باب غرض و هدف نویسنده از تألیف آن، آنچه مؤلف آورده گویای دل پر درد او از اوضاع زمانه و بی حمیتی و بی غیرتی مردم و علمای روزگار و بی توجهی پادشاهان است. «مقصود از بیان کردن آنست که غیرت و حمیت در دین بکار آرند و تفحص احوال این قوم [زنداقه] بکنند» [51a]

یا در جایی دیگر مقصود خود را از تألیف کتاب به صراحت این چنین اظهار می دارد: «غرض از تألیف این فصل آنست که هر کسی از اهل اسلام که این کتاب بخواند و مطالعه کند از حکایات و اخبار و پند و موعظه و تواریخ انبیا و خلفای راشدین و پادشاهان ماضی و سیرت و روش ایشان فایده گیرد و از حکایت زنداقه و ملاحظه و اهل بدعت و هوی که پیش ازین نیکو رفت عبرت گیرد و...» [64b]

اما در مورد تقدیم کتاب به خلاف آنچه کاتب چلبی در مورد تقدیم آن به سلطان غیاث الدین مسعود آورده، از دو بیت زیر که مؤلف آن را در ضمن مجموعه اشعار به جهت خاتمت کتاب آورده می توان پی برد که این کتاب نه به سلطان غیاث الدین مسعودین کیکاووس بلکه به مظفرالدین مسعودین البرک (الپاپورک) تقدیم شده است. بیت مورد نظر بدین سان است:

مجموعه ای که به معرفی آن می پردازیم، نام مؤلف و نیز نام اثر تألیف شده را در خود ندارد و این احتمال می رود که در ابتدای یکی از ابواب «امور عدالت» یا «اقوال علما و حکما» که تعدادی از فصلهای آغازین آن دو موجود نیست، به این دو مورد اشاره شده باشد.

اما مؤلف کشف الظنون (حاجی خلیفه) مجموعه ای را معرفی می کند که تعداد و عناوین ابواب و نیز مندرجات آن کاملاً بر مجموعه ای که در دست داریم تطبیق می کند و می گوید این مجموعه را محمدبن محمدبن محمود الخطیب در آق سرای و در سال ۶۸۳ با نام فسطاط العدالة فی قواعد السلطنة در یک جلد نوشت و به غیاث الدین مسعود تقدیم کرد که شش باب داشت و عناوین بابها بدین صورت بود: (۱) امور دولتی (۲) بیانات علما و حکما (۳) تاریخ پیامبران (۴) مزدک و بابک (۵) زندقیون (۶) دم جهل<sup>۱</sup>.

همچنین عثمان توران در ارمغان فواد کوپر و لو<sup>۲</sup> در مقاله ای که به معرفی این مجموعه اختصاص دارد با بررسی تمام منابع و شواهد موجود به این نتیجه می رسد که نام مؤلف محمدبن محمود الخطیب و نام اثر فسطاط العدالة فی قواعد السلطنة می باشد.

### تاریخ تألیف

تاریخ تألیف این کتاب به سال ۶۸۳ بر می گردد و این امر از عبارت زیر کادر صفحه [53b] کتاب درج شده، مستفاد می شود. «و هنوز از آن وقت که این وضع پیدا گشت تا این زمان که این مجموعه نوشته می شود در سنه... ستمائه، مدت هفتاد و دو سال

\* کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی

این دفتر مبارک و دستور خسروان

فرخنده باد بر شه منصور بر مظفر

میر جهان مظفرالدین ابن البرک

مسعود [شاه] عادل و دانای پر هنر [69b]

و این امیر مظفرالدین نوه حسام الدین چوپان مشهور و پسر آلپ یورک بوده و چون برای ترقی علمی و آبادانی آن سامان تلاش بسیار داشته، مؤلف اثر خویش را به او تقدیم کرد. امیر مذکور در سال ۶۹۱ درگذشت.

### معرفی ابواب

در این بخش به معرفی ابواب پتجگانه، موضوعات مندرج در آنها و ذکر شمه ای از فواید آنها از جنبه های مختلف می پردازیم.

**باب اول**، بر حسب ترتیب نسخه حاضر، به بیان اقوال و سخنان علما و حکما از پند و حکمت و مثل می پردازد و از بزرگانی چون جاحظ، بزرجمهر، جاماسب حکیم و... عباراتی نقل می کند. متأسفانه از این باب که در اصل مشتمل برده فصل بوده جز یک فصل و اندی بیش نمانده است.

**باب دوم**، در شصت و نه فصل است و از صفحه 1b تا 27b از نسخه خطی را شامل می شود. این باب را با بحث در لزوم شناخت و معرفت احوال پیغمبر و خلفای راشدین شروع کرده و در ادامه به شرحی مختصر از زندگی پیامبر، ابزارها و ادوات شخصی وی،

خلفای راشدین، جلوس امام حسن و امام حسین (ع) و نیز یکایک خلفای اموی تا پایان خلفای عباسی به سال ۶۵۶ پرداخته و در این نقل و بازگویی که صرفاً تاریخی است آنجا که موقعیت مناسب است می دهد. علاوه بر ذکر امور مشترک در مورد تمام خلفا همچون ذکر مدت حکومت، اصل و نسب، وزیران و پاره ای از سیرت و رفتار آنان، به اموری دیگر از جمله ذکر نکته های تاریخی، مشاهدات شخصی، شرح مدرسه مستنصریه، علل سقوط عباسیان و... پرداخته و در کل شرحی است مختصر از ابتدای خلافت در اسلام تا پایان خلافت عباسیان که مقارن مؤلف (قرن هفتم) بوده است.

**باب سوم**، به بیان قرامطه و خروج قرامطه و خرمذیان و گبران در زمان خلفای عباسی اختصاص داشته که عمدتاً برگرفته از سیاست نامه است و از صفحه 28a تا 49b را در بر می گیرد. مؤلف در این باب خواسته مردم و علما و سلاطین زمان خویش را همانگونه که در اواخر این باب و بویژه باب بعدی آورده از سیرت زشت زنداقت ماضی که قرامطه و مزدکیان و باطنیان باشند آگاه کرده و به آنها یادآوری کند که تا چه حد سلاطین ماضی از بهر دین مسلمانی شمشیرها زده اند و بسیار مسلمانان در این راه کشته شده اند و حتی یک لحظه آن مباحیان و بدکیشان و بدمذهبان را به خود وانگذاشته اند و دمار ازین مباحیان برآورده اند. و در انتهای این باب، زنداقت ماضی و زنداقت روزگار خویش را یکی دانسته و جوالق را که زنداقت روزگار اویند، به زنداقت ماضی پیوند می دهد و ادامه راه آنان می داند و می گوید اینها همه آیین خرمه و بواطنه است.

اهمیت این باب بیشتر بدین لحاظ است که مؤلف تصویری بالنسبه کامل و گویا از خروج فرقه های دینی علیه خلفای عباسی و پاره ای از معتقدات و اعمال و افعال آنها ارائه کرده و به نحوی شایسته و ماهرانه این باب را به باب بعدی که مقصود اصلی نویسنده از تألیف کتاب بوده، پیوند داده و خواننده را در جریان آنچه بر اسلام از تاریخ دین و فرقه های دینی گذشته قرار می دهد.

**باب چهارم**، که مهمترین و ارزشمندترین بخش کتاب است و تا صفحه 69b را شامل می شود بیشتر به بیان اعمال و افعال و سیرت و صورت باطنیان آناتولی در زمان حیات مؤلف پرداخته است. در ابتدا سخن را از بی غیرتی و بی حمیّتی خلق و عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر و بی توجهی پادشاهان به این امور بدعت آمیز و نیز بی توجهی علما که ورثه انبیایند و سکوت و خاموشی آنها، آغاز کرده و بر لزوم توجه علمای روزگار و اشرف قوم بر منع بدعت با تحریض عامه و ارائه فتوی بر پادشاهان تأکید می کند تا مگر نار این نایره فرو نشانند کمالینکه «علمای سلف و پادشاهان خلف اگر دریافتندی که کسی به سر موی از امر شرع و از متابعت سنت خلاف کردند می مهره

در روز خانه فرست و تا که عمداً بر سر زنجیر بندد و در هر روز که در آن روز  
تا کند پس چون از خانه بیرون رود در آن روز که در آن روز که در آن روز  
از آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
از آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
بر و کند تا روزی که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
عصا لله و له روی بودی که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
از آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
این خندان که تو با این در و در و در و در و در و در و در و در و در  
شرفی به بر تو روی هر دو شب بودی و از آن با نماند و در آن روز  
و چون تو از این با در و در و در و در و در و در و در و در و در  
بجهت تو نیستی که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
از آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
حق برین است که تو بر این تو بر این و به آنها که خود صفا تا در و در و در و در  
پس در این روز و در این روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز  
تا روز

اندکی علم بودی بدین کفر و زندقه گرفتار نشدندی. و نیز بحثی مستوفی دارد راجع به مضرات استعمال مواد مخدر همچون سبزه یا شاهدانه که ضرر آن را از دو جهت می‌داند: یکی ضرری که متوجه دین است و دیگر ضرری که متوجه جسم و جان آدمی است «دماغ را خشک می‌کند و وهم در دل اندازد و مرد را بیشتر اوقات ترسناک و غمگین دارد و... بیشتر خلق را در فکر دنی اندازد و مایهٔ دیوانگی و جنون است و...» [54b]

**فصل پنجم،** در بیان امر به معروف و نهی از منکر و وجوب و مراتب آن و بیان جنایاتی که آنرا در شرع عقوبتی معین است چون حکم ردت و حد خمر و زنا و لواطه و دزدی و قصاص. پس از آن وارد مبحث احتساب و شرایط و کیفیت و درجات آن و وظایف محتسبان می‌شود و از منکرات مساجد، شاهراه‌ها، حمام و منکرات مهمانی سخن می‌گوید و آنچه در اهمیت این مبحث می‌توان گفت این است که حاوی اطلاعاتی مفید راجع به تاریخ اجتماعی زمان مؤلف بوده و از جمله مؤلف با بیان اینکه قصه خوانی و تشکیل جلسه در مساجد و یا تقسیم مال و نوشتن قباله و داد و ستد با روستائیان در آنجا مکروه است نشان می‌دهد که در مساجد آن زمان چه کارهای عمومی و خصوصی انجام می‌گرفت.

**آخرین باب،** به لحاظ ترتیب نسخهٔ خطی، باب عدالت و امور مملکت داری است که از صفحهٔ 70a شروع و تا 116b را شامل می‌شود. این باب در اصل از بیست و دو فصل تشکیل شده بود اما یازده فصل اول و بخشهایی از فصل دوازدهم موجود نیست و فصلهای موجود حکایت از آن دارد که مؤلف در این باب به مانند باب سوم کاملاً نظر به سیاست ناهه داشته و علاوه بر آن در جای جای فصلها مطالبی از اقوال بزرگان، آیات، احادیث، حکایات، اشعار متناسب و ضرب المثلهای بر متن برگردان شده سیاست ناهه افزوده است. برای مثال، اشاراتی که مؤلف در فصل پانزدهم راجع به احوال رسولان و سفیران در زمان سلاطین سلجوقی دارد با آنچه در وقایع نگاریهای مربوط به دوران سلجوقی نقل شده مطابقت دارد.<sup>۳</sup> یادآوری می‌شود این اثر بزودی به دست توانمند نشر میراث مکتوب به زیور طبع آراسته خواهد شد.



**پی‌نوشت‌ها:**

۱. کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۲۵۹.
۲. ترجمهٔ کامل مقالهٔ عثمان توران در این یادنامه به همراه تعلیقات و پیوستهای ضروری بر متن کتاب افزوده خواهد شد.
۳. به هنگام نشر کتاب، بحث و تفصیل بیشتری راجع به مباحث فوق و دیگر مباحث خواهیم داشت.



گردنش را از چنبر دوشش جدا کردند و...» [50b] «اما علمای روزگار به منصب و جاه مشغولند و از آنچه منصب به زر خریده‌اند زهره ندارند که سخن گویند» [50b]

مؤلف سه فصل ازین باب را به جولقیان (زنداقهٔ روزگار) و ذکر اعمال و افعال آنها از خمر خوردن، استعمال سبزه (گیاهی مخدر)، ترک نماز و روزه، تمسخر و استهزاء ارکان دین و اماکن مقدسه، اعمال و افعال فسق و فجور، حکایت جمال الدین ساوجی و فرقه پوشیدن او به دست شیخ عثمان رومی از مشایخ طریقت، کناره گیری جمال ساوجی از محضر آن شیخ، سروریش فرو دادن او، چگونگی انتشار این فرقه در سرتاسر آناتولی و... اختصاص می‌دهد و علاوه بر اهمیت اجتماعی و فرهنگی به لحاظ ادبی از زیباترین و جذاب‌ترین ابواب کتاب است و نیز آوردن بعضی لغات به شیوه‌های غیر معمول همچون الحاد به صورت ایلحاد، ایلحید، ایلهاد، و لغات دیگر به لحاظ زبان شناسی قابل اهمیت و درخور توجه است.

**فصل چهارم،** این باب را به مذمت جهل اختصاص می‌دهد و در ادامهٔ مطالب قبلی می‌گوید که اگر این مباحیان و جاهلان را

